

پیشگیری از مردودی در مدارس ابتدایی چکسلواکی

معرفی مقاله

نوشته: میروسلاو ماخ^۱
ترجمه: مرتضی امین‌فر

در ارتباط با مسأله افت تحصیلی و به منظور جستجوی راه حل این مشکل اساسی نظام آموزشی، بررسی تجارب دیگر کشورها و نظامهای آموزشی می‌تواند راهها و شیوه‌های مختلفی را که برای روبروشدن با این مشکل و حل آن وجود دارد برای ما آشکار نموده؛ و استفاده از این شیوه‌ها را برای در مان این آفت نظام آموزشی ما نیز میسر گرداند.

به همین منظور مقاله حاضر که به بررسی علل و عوامل مردودی و شیوه‌های جلوگیری از آن در مدارس ابتدایی چکسلواکی پرداخته، و در نشریه Prospects ارائه گردیده، انتخاب و ترجمه شده است.

این مقاله خاطر نشان می‌کند که بیشترین مسائل و مشکلات در سالهای اولیه مدارس ابتدایی، مسائل مربوط به بعد شناختی و آموزشی افراد نیست، بلکه مربوط به دوره آموزش و پرورش قبل از دبستان و در رابطه با محیط اجتماعی افراد است. بسدین لحاظ از سپتامبر ۱۹۷۸ در کشور مذکور برنامه جدیدی برای همه کودکانها ارائه شده است، و به زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش در این دوره و در دوره بعد توجه گردیده که نتیجه آن به صورت افزایش میزان قبولی دانش‌آموزان دوره ابتدایی و کاهش قابل توجهی از تعداد مردودین این دوره آشکار گردیده است.

مقاله حاضر شیوه‌های مختلفی را که باعث این نتایج موفقیت آمیز شده است ارائه می‌نماید که امید است ما نیز بتوانیم از چنین

شبهه‌هایی استفاده نموده و این امر بتواند میزان افت تحصیلی نظام آموزشی ما را نیز کاهش دهد.

مقاله حاضر توسط برادر مرتضی امین‌فر عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی و عضو هیئت تحریریه فصلنامه انتخاب و ترجمه شده است که بدین وسیله از علاقه و توجه ایشان نسبت به فصلنامه تشکر و قدرانی می‌نماید.

«فصلنامه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جامعه ما نسبت به سرنوشت هر کودک، رشد و تکامل موفقیت آمیز وی، و جایگاه بعدی او در کشور بسیار علاقه مند و نگران است. به همین علت ما نسبت به مسأله کُندی رشد و تکامل فرد، و کمبود پیشرفت در مدارس ابتدایی که مانعی برای تکامل و تعالی همه جانبه شخصیت کودک است بسیار حساس می باشیم.

راه حلّ مسائیل و مشکلات مربوط به این امر را ما در مجموعه ای از فسراردهای یادگیری، آموزشی و پرورشی جستجو می کنیم؛ و در این زمینه خود را به تحلیل کیفیت انتقال دانش که از طریق تدریس برنامه درسی مشخص می شود محدود نمی کنیم. ما علاوه بر توجه به این امر، نسبت به رشد و تکامل فکری فرد؛ کاربردهای دانش او در زندگی؛ ارتباط دانش آموز با دنیای کار؛ یادگیری منظم افراد؛ و توجه به علائق دانش آموزان عنایت خاص داریم. به طوری که با تحلیلی ژرفکاو دلایل متفاوتی را که مسبب اصلی ضعف تحصیلی دانش آموزان بوده اند، کشف می کنیم. اما باید توجه داشت که این دلایل خود نتیجه علل و عوامل اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی می باشند.

برای جلوگیری از این نتایج ضعیف تحصیلی، ما می توانیم نمرات درسی پایین دانش آموزان را افزایش دهیم؛ اما با انجام این کار ممکن است نتوانیم ریشه مسائیل و مشکلات دانش آموزان را بیابیم. و حال آنکه اگر بتوانیم ریشه این مسائیل را بشناسیم، ممکن است با یافتن راه حلّ فردی در هر مورد کار را شروع نماییم، که این امر به ما امکان می دهد مسائیل مشخص را به طور موفقیت آمیز در همان زمان و سنّ معین خود حل کنیم.

در چکسلواکی ما نسبت به رشد و تکامل کودکان و دلایل عدم موفقیت آنان در نظام آموزشی که ریشه در سالهای قبل از مدرسه دارد، بسیار علاقه مند بوده و در این زمینه بسیار حساس می باشیم. بنابراین معلمان و روان شناسان برای شناخت علل و عوامل این عدم موفقیت کار خود را بر روی کودکانها متمرکز می نمایند.

زیرا که تحقیقات و تجارب عملی در طیّ زمانی نسبتاً طولانی به ما نشان داده است که دوره سالهای قبل از مدرسه برای شکل بخشی و الگوسازی شخصیت کودک بسیار پراهمیت می باشد. در این زمان رشد و تکامل کودک بسیار سریع می باشد؛ و ما امکان آن را داریم که توانیها و مهارتهایی را در او پرورش دهیم. تحقیقات ما نشان داده است که بیشترین مسائیل در اولین سال مدرسه ابتدائی مسائیل مربوط به بُعد شناختی و آموزشی افراد نیست، بلکه مربوط به عوامل خارجی نظام آموزشی یعنی محیط اجتماعی است.

از اوّل سپتامبر ۱۹۷۸ برنامه جدیدی برای همه کودکانها ارائه شده است. این برنامه کارایی تعلیم و تربیت را بیشتر نموده و تمام فعالیتهای دانش آموزان را که در خلال تحصیل روزانه خود انجام می دهند تقویت می کند. کیفیت و کارایی فعالیتهای آموزشی و پرورشی اکنون

بسیار بالاتر است؛ و مخصوصاً این کیفیت بهتر اکنون به صورت پرورش قدرت استدلال بهتر افراد نمودار گشته است. جریان تعلیم و تربیت اکنون به صورت منظم انجام می‌گیرد و قدرت خلاقیت و ابتکار کودکان، و توانایی حل مسائل توسط آنان و به طور مستقل را افزایش می‌دهد. از این نظر کودکان دارای استقلال بیشتری می‌باشند و انعطاف پذیر تراند. آنان در تماس با افراد بزرگسال و دیگر کودکان از طریق فعالیتهای مختلف به افزایش ذخیره لغات خود پرداخته؛ و در همان حال شخصیت آنان، و ارتباط آنها با جامعه تکوین و تکامل می‌یابد. بر اساس ارتباط کودک و افراد بزرگسال سازگاری اجتماعی افراد نیز بهبود می‌یابد. گذشته از این، کودکان در سنین قبل از مدرسه از طریق برنامه‌های جدید تواناییهای جسمی و مهارتهای دستی خود را نیز پرورش می‌دهند، و آموزش و پرورش قبل از دبستان به کودکان چگونگی مراقبت از سلامت خود را نیز آموزش می‌دهد.

برنامه‌ای که از سال ۱۹۷۸ به مرحله اجرا گذاشته شده است، برنامه‌ای جامع و تمام زمینه‌های آموزش و پرورش را دربر می‌گیرد. تعداد زیادی از هدفهای برنامه بیانگر آنند که انتظارات برنامه از کودکان زیاد است، ولی آنان توانایی بدنی و فکری لازم را برای اجراء این برنامه‌های سخت دارا می‌باشند. این برنامه‌های غنی هم کودکان را راضی می‌کند و هم معلمان را، و هنوز وقت اضافی برای کودکان فراهم می‌آورد تا آنان به رشد و تکامل خلاقیت‌های خود پردازند.

اجرای این برنامه باعث همکاری بیشتر مدارس ابتدایی و کودکانها گردیده، و مساهمات جدیدی را برای همکاری این نهادها ارائه داده‌ایم که شامل بازدید دوجانبه آنها از مؤسسات یکدیگر و آشنایی با برنامه‌های درسی و کاری همدیگر، و ملاقات مسئولان هر یک از این نهادها با والدین کودکان برای کسب اطلاعات درباره آنان بوده است. نتیجه این برنامه‌ها اکنون به صورت تحقیقات انجام یافته درباره عملکرد سال اول مدارس ابتدایی مشخص نموده است که کار مطلوبی که اکنون در کودکانها انجام می‌گیرد بازتاب مؤثری بر کیفیت پیشرفت عقلی و اجتماعی دانش‌آموزان در فعالیتهای مدارس ابتدایی داشته است. یعنی کودکانی که به کودکانها رفته‌اند، در مدارس ابتدایی، در وضع برتری قرار دارند تا کودکانی که مستقیماً از خانه به مدرسه رفته‌اند.

بالاخره باید خاطر نشان نمود که ۹۱ درصد از تمام کودکان چکسلواکی اکنون به کودکانها می‌روند؛ و برای ۹ درصد بقیه ما مجبور به ارائه برنامه‌ها و دوره‌های دیگری هستیم تا آنان را برای ورود به مدارس ابتدایی آماده نمایند. یکی از کارآمدترین روشها برای این کار استفاده از دوره‌های آمادگی است. بیشتر این دوره‌ها در کودکانها برگزار می‌شوند. ولی این دوره‌ها می‌توانند در مدارس ابتدایی نیز دایر گردند. در رابطه با این دوره‌ها مهمترین مسأله این

است که یک معلم واجد شرایط برای کودکان در آنجا کار کند. این دوره‌ها شامل یک دوره شش ماهه قبل از ورود کودک به مدرسه ابتدایی است.

کودکانی که به این دوره‌ها وارد می‌شوند بین سنین ۵ و ۶ سالگی قرار دارند و تاکنون به کودکان نرفته‌اند. این کودکان هر هفته یکبار در جلساتی دوساعته حضور می‌یابند. محتواها و روشهای تدریس در این دوره‌ها همانند کار در کودکانها است.

سطح دانش، و مقدار آن برای کودکانی که به این دوره‌های آمادگی می‌روند به طریقی سازمان‌بندی شده است که به کودکانی که مستقیماً از خانه به مدرسه می‌روند همان دانشی را بدهد که دیگر کودکان در کودکانستان کسب کرده‌اند. بنابراین تلاش بر آن است تا تمام کودکانی که به سال اول مدرسه ابتدایی وارد می‌شوند، به طور برابر آماده شده باشند؛ که این امر، فراگرد آموزش و پرورش را سرعت بخشیده و کیفیت مطلوب آن را تأمین می‌کند.

این برنامه کوشش می‌کند تا اختلافاتی را که بین تواناییهای کودکان وجود دارد برطرف نموده، و برابری آمادگی آنان را برای مدرسه به حداکثر ممکن برساند. با حمایت از فعالیتهای کودکان، و تأیید استقلال آنان، و تقویت خلاقیت و توانایی حل مسئله توسط آنان، آموزش و پرورش قبل از دبستان آمادگی بهتر و سریعتری را برای کار در مرحله اول مدارس ابتدایی فراهم آورده است. در عین حال این نوع آموزش و پرورش شالوده و اساس رشد و تکامل منظم و هماهنگ شخصیت یک کودک را پی‌ریزی کرده است.

کمپوس^۲ در بخش نخست کتاب هنر بزرگ آموزگاری^۳ گفته است که بهترین زمان برای ورود به مدرسه زمان ۶ سالگی است، البته او توجه داشته است که این سن برای همه به طور یکسان معتبر نیست. ما می‌توانیم بگویم معیاری که او قرار داده است مطلوبترین زمان برای رفتن به مدرسه است. او گفته است کودکانی که آماده رفتن به مدرسه ابتدایی هستند باید دارای سه مشخصه باشند:

۱ — آنچه را که باید در کودکانستان یاد گرفته باشند، آموخته‌اند.

۲ — متناسب با سن خود رشد و تکامل یافته‌اند.

۳ — و نسبت به یادگیری افزونتر علاقه‌مند می‌باشند.

ورود به مدرسه مرحله بسیار مهمی از زندگی هر کودک را تشکیل می‌دهد. تا این سن کودک عمدتاً به بازی اشتغال داشته است، ولی اکنون وظایفی را به عهده دارد که بخش مهمی از وقت او را در روز اشغال می‌کنند. در آغاز، یادگیری برای کودک بسیار مشکل است؛ بنابراین آمادگی او برای یادگیری یک امر حیاتی است. برای کودک ضروری است که هم از نظر اجتماعی و هم از نظر عقلی و روانی برای مدرسه آماده باشد. او باید با شرایط مدرسه سازگاری داشته باشد، بنابراین باید ظرفیت تواناییهای او به سطح مشخصی رسیده باشد تا بتواند با این

شرایط سازگار گردد. در این صورت و در این مرحله کودک برای رفتن به مدرسه آماده است. ما این مطلب را کشف کرده ایم که فشارهایی که بر کودک در آغاز ورود به مدرسه وارد می شود، ممکن است بیش از توان و ظرفیت کودک باشد. این امر مخصوصاً برای آن دسته کودکانی که در بخشی از شخصیت خود رشد و تکامل کندتری دارند، بیشتر قابل توجه است. این کودکان آمادگی آن را ندارند که به طور منظم در معرض تدریس قرار گیرند. مشکلات شروع مدرسه ممکن است با فشارهای مختلفی که از محیط بر آنان وارد می شود همراه گردد. از این نظر این کودکان نیاز به توجه افزونتر معلمان و والدین خود دارند.

فقدان موفقیت در شروع مدرسه ممکن است برای مدت زمانی طولانی بر رشد و تکامل کودک تأثیری منفی داشته باشد. به همین دلیل ما بر معاینه کودکان از لحاظ روانی پیش از شروع مدرسه، در مراکز مشاوره آموزشی - روانی^۱ تأکید می نماییم. این مراکز تلاش می کنند تا مشکلات کودک را قبل از آن که به مدرسه برود مشخص نمایند، و به همین ترتیب آن کودکانی را که هنوز آمادگی لازم برای رفتن به مدرسه ندارند مشخص سازند.

برای کمک به همکاری بین مسئولان بهداشت کودک در هر ناحیه و مراکز مشاوره آموزشی - روانی، ما یک کتابچه راهنمای عملی در زمینه نگهداری از کودکان در سنین قبل از دبستان فراهم کرده ایم.

مسئولان بهداشت کودک گزارشی از وضع سلامتی کودک پیش از ورود او به مدرسه ابتدایی فراهم می آورند. این گزارش حاوی چگونگی سلامتی کودکان، رشد جسمی آنان، و برآوردی از تواناییهای ذهنی ایشان می باشد. بالاخره این گزارشها توصیه و پیشنهاد می کنند که کودک آماده رفتن به مدرسه هست، یا نه.

به هنگامی که کودکی دارای بعضی از ناتوانیها از قبیل: عدم تعادل در حیطه روانی - حرکتی؛^۲ عقب افتادگی ذهنی؛ اختلالات حسی؛ مریضی مزمن یا طولانی؛ و یا ضعف رشد جسمی باشد، مسئولان بهداشتی از مراکز مشاوره آموزشی - روانی درخواست می کنند که کودک را معاینه نموده و مورد آزمایش قرار دهند. سپس این مراکز درباره نوع مدرسه مورد نیاز کودک تصمیم لازم اتخاذ می نمایند.

در خلال اولین شش ماه حضور کودکان در کودکستان، کارکنان مراکز یاد شده از کودکستانها بازدید کرده و تمام کودکان را معاینه می کنند. معلمان و مدیران کودکستانها با این مراکز همکاری داشته و به هنگام لزوم کودکان را به این مراکز ارجاع می دهند. کودکانی که از کودکستانها به مدارس ابتدایی می آیند به وسیله معلمان این مدارس با روشهای غیر رسمی مورد آزمایش قرار می گیرند. این معلمان نسبت به سطح پیشرفت زبانی این کودکان علاقه مند می باشند.

بعد از شروع سال جدید مدارس، کارکنان مراکز مشاوره آموزشی - روانی به بازدید مدارس رفته و به معاینه کودکان می پردازند؛ و کودکان دارای مشکل را نیز مدیران مدارس ابتدایی به این مراکز ارجاع می دهند. البته پیش از ارجاع کودکان به این مراکز، مدیران موظفند نگرانی خود را در مورد کودک مورد نظر با والدین او در میان گذارند.

مراکز مشاوره آموزشی - روانی آمادگی کودک را برای مدرسه از لحاظ رشد و تکامل عقلانی، اجتماعی، و عاطفی تضمین می کنند. این مراکز به هنگامی که کودکی از طرف یک پزشک یا مدیر کودکستان به آنها معرفی شد، او را معاینه می کنند و از او آزمایش به عمل می آورند. بهمین ترتیب کودکانی که هیچ دوره آموزشی پیش از دبستان را نگذرانده باشند، و یا از خانواده هایی که دارای مشکلات خانوادگی هستند به مدرسه می آیند نیز مورد معاینه و آزمایش قرار می گیرند.

کارکنان مراکز مشاوره آموزشی - روانی برای معاینه و آزمایش کودکان از مجموعه ای از روشهای رسمی و غیررسمی استفاده می کنند؛ که روشهای رسمی مورد استفاده در سرتاسر چکسلواکی معمول و متداول است. پس از معاینه و آزمون کودک، مشاوران این مراکز تصمیم می گیرند که آیا کودک آماده رفتن به مدرسه هست، یا نه؛ و اگر کودک ناتوانی همیشگی نداشته باشد که او را از رفتن به مدرسه باز دارد، آنها می توانند ورود به مدرسه کودک را برای یک سال به تأخیر اندازند؛ یا کودک را به کلاسهای مخصوص، یا کلاسهای جبرانی معرفی نمایند؛ و یا کودک را به مدارس استثنایی بفرستند که برای افرادی فراهم آمده است که دارای مشکلات حسی، جسمی و یا روانی می باشند.

اگرچه اکنون ما یک راه و روشی برای تحلیل چگونگی رشد و تکامل کودک در سنین قبل از دبستان کشف کرده ایم، و شکلهای جدیدی از جداسازی کودکان را تکوین و تکامل بخشیده ایم، لکن هنوز درصدی از کودکان در مدارس ابتدایی هستند که موفق نمی شوند و مردود می گردند. یکی از مهمترین علل این امر آن است که بعضی از کودکان هنوز به درستی حاضر و آماده برای رفتن به مدرسه نیستند.

ما در پی آنیم تا قطعاً بهترین وسایل و روشهای تصمیم گیری درباره زمانی که یک کودک برای مدرسه آماده است را بیابیم. برای کودکان خاصی تشخیص زمان و سن کاملاً مناسب آنان برای رفتن به مدرسه، مشکل است؛ ولی ما کوشش می کنیم این زمان را بیابیم، برای این که از مردودی بعدی آنان در مدرسه جلوگیری کنیم. ما در این تلاش از وسایل و روشهای متعددی استفاده می کنیم. گاهی اوقات مجبوریم معیارهایی را که برای سنجش استعداد، و یا عدم آمادگی برای مدرسه تاکنون به کار می برده ایم، جرح و تعدیل نماییم. در کودکستانها تلاش می کنیم تا به طور منظم توانایی تحلیلی حواس کودکان و فعالیت شناختی آنان را فزونی بخشیم. ما کودکان

را تشویق می‌کنیم تا کارکرد ساده مکانیکی آنچه را که در اطراف خود می‌بینند درک کنند، و تلاش می‌کنیم تا کار آموزشی - پرورشی کودکان به‌طور کامل انجام گیرد. در مدرسه ابتدایی به کودکان به‌طور انفرادی توجه نموده، و در این زمینه مخصوصاً به کودکانی که در گروه‌های سنتی پایین‌تر هستند توجه بیشتری می‌نماییم. ما سعی می‌کنیم تا تماس نزدیکتری بین معلمان کلاسها و والدین دانش‌آموزان برقرار شود، و مخصوصاً این تماس برای دانش‌آموزانی که دارای مشکلات آموزشی - پرورشی هستند بیشتر و نزدیکتر باشد. به همین ترتیب تماس نزدیک با مراکز مشاوره آموزشی - روانی نیز برقرار می‌گردد؛ و تلاش می‌کنیم تا همکاری بین معلمان کلاسها و مربیان اوقات فراغت بیشتر معنی‌یابد، مخصوصاً برای دانش‌آموزانی که دارای مشکلات آموزشی - پرورشی هستند؛ تا آنان بتوانند توجه خاصی به این دانش‌آموزان بنمایند. یکی از مهمترین جنبه‌های آموزش و پرورش یک شخص توانایی او در «خواندن» می‌باشد. روش و فن آموزش خواندن به یک شخص بسیار مهم است. اگر یک دانش‌آموز نتواند به‌طور شایسته و سریع بخواند، برای او بسیار مشکل خواهد بود که بتواند مواد دیگری از قبیل: علوم طبیعی و یا علوم اجتماعی را در دوره ابتدایی فرا گیرد.

شمار زیادی از کودکان توانایی خواندن آنچه را که با روشهای معمولی به آنها آموخته شده است، دارا می‌باشند؛ و این توانایی خواندن پایه‌ای است که می‌تواند بر بنیاد آن دیگر ابعاد آموزش و پرورش خود را بنا نهند. اما در برابر این اکثریت عظیم کودکان، حدود ۲٪ جمعیت دانش‌آموزان مدارس ابتدایی دارای بعضی اختلالات روانی می‌باشند که مشکلاتی برای آنان در یادگیری فنون خواندن و نوشتن فراهم می‌آورند؛ اگرچه این افراد دارای هوش طبیعی و یا بالاتر از هوش میانگین می‌باشند. این کودکان معمولاً از عقده کهری رنج می‌برند و نسبت به آنچه که در اطراف آنها قرار دارد، نوعی اغتشاش فکری و پریشانی خاطر دارند. والدین این کودکان معمولاً با خشونت نسبت به این کودکان واکنش نشان می‌دهند و ممکن است آنها را تنبیه نمایند. بنابراین، این کودکان نه در خانه خوشنوداند و نه در مدرسه؛ که نتیجه آن به صورت شکست این کودکان در یادگیری دروس مدرسه و مردودی آنان بروز می‌نماید.

برای کودکی که دارای نارساخوانی (دیسلاکسیک) ^۷ جزئی می‌باشد، توجه خاص از طرف معلم کلاس و انجام تمرینهای خاصی که توسط متخصصان طراحی شده است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

کودکانی که دارای مشکلات بیشتری هستند به وسیله متخصصان عصب‌شناسی، روان‌شناسی، و تعلیم و تربیت مورد معاینه قرار می‌گیرند و سپس در کلاسهای مخصوصی که در مدارس ابتدایی برای آنها در نظر گرفته شده جایگزین می‌شوند. این کلاسهای مخصوص برای کلاسهای اول تا چهارم مدارس ابتدایی وجود دارد، و هر یک از آنها بیش از پانزده دانش‌آموز

این کودکان اغلب اوقات دارای واکنشهای غیرارادی؛ اختلالات روانی - حرکتی؛ مشکلاتی در هماهنگی حرکات؛ و مشکلاتی در تمرکز حواس داشته، بی حوصله بوده، ظرفیت یادگیری محدودی دارند.

در مورد بعضی از کودکان دارای نارساخوانی (دیسلاکسیک) می توان به سطح بالایی از خواندن رسید، ولی هنوز ممکن است مشکلاتی در درک و فهم آنچه که دانش آموز خوانده است، موجود باشد؛ یعنی کودک برای خواندن متن کتاب درسی آن قدر تلاش و کوشش می کند که شانس کمتری برای درک آنچه که خوانده است دارد.

معلمان این کلاسهای مخصوص در مدارس ابتدایی مطلوبترین شرایط را برای به حداکثر رساندن یادگیری و رشد و تکامل افزونتر شخصیت کودکان ایجاد می کنند. در خلال زمانی که این دانش آموزان در کلاسهای مخصوص هستند، به این امر توجه می شود که رابطه دانش آموزان نسبت به یادگیری، و نسبت به همشاگردان، و همچنین نسبت به شخصیت خودشان به طور مثبت بازسازی شود.

به هنگامی که این اختلالات یادگیری مورد رسیدگی قرار گرفتند، دانش آموزان به کلاسهای عادی مراجعت می نمایند. امر مهمی که به هنگام تربیت چنین دانش آموزانی در کلاسهای مخصوص وجود دارد آن است که دانش آموز نسبت به کار خودش ارزشیابی مثبتی داشته باشد، و این امر باید مورد حمایت و تشویق قرار گیرد. به معلمان این کلاسها کمک می شود تا از طریق معیارهای خاصی دانش آموزان خود را ارزشیابی کنند. برای این معلمان راهنماییهای مخصوصی در هر موضوع درسی و همچنین راهنماییهای کلی در مورد چگونگی درجه بندی دانش آموزان، و تصمیم گیری برای ارتقاء آنان به کلاس بالاتر، یا برای بازگشت آنها به کلاسهای عادی فراهم آمده است.

حداکثر تعداد کودکان در یک کلاس مخصوص پانزده نفر است. نتایج حاصل از این کلاسها بسیار دلگرم کننده است، و بیشتر دانش آموزانی که به کلاسهای عادی بازمی گردند نتایج موفقیت آمیزی ایجاد می کنند.

نمونه دیگر این کلاسها، کلاسهای جبرانی است که بر بنیاد کار فردی با یک دانش آموز شکل می گیرد. با این کار فردی، معلمان و دانش آموزان تلاش می کنند تا رشد و تکامل به تأخیر افتاده را جبران نمایند. دانش آموزانی که دارای چنین مشکلی هستند معمولاً از نظر روانی کاملاً طبیعی هستند. یادگیری به تأخیر افتاده آنان ممکن است به علت آن باشد که آنها بر اثر آن که به بازی کردن علاقه بیشتری داشته اند تا کار کردن، توانسته اند بر کار یادگیری خود تمرکز نمایند. این دانش آموزان نگرش مناسبی نسبت به کار در مدرسه ندارند. بعضی از این کودکان ممکن

است از برخی اختلالات عصبی رنج ببرند.

به دانش‌آموزانی که دارای مشکل یادگیری به تأخیر افتاده می‌باشند، می‌توان با برنامه‌های جبرانی کوتاه مدت که در شرایط مناسبی ارائه می‌شوند کمک نمود تا آنان تأخیر خود را جبران نموده و به کلاسهای عادی بازگردند. کودکانی که مشکل یادگیری به تأخیر افتاده دارند اغلب از خانواده‌هایی هستند که مسائل و مشکلات خانوادگی دارند، اگرچه مسائل دیگری نیز از قبیل مشکلات سلامتی دانش‌آموز، و یا روشهای نامناسب تدریس در یک مدرسه ممکن است باعث این عقب‌افتادگی باشند. معمولاً یک مجموعه‌ای از عوامل به هم پیچیده دست اندرکار این مشکل می‌باشند. لذا معلّمان این کلاسهای جبرانی باید از همه دلایل مختلفی که ممکن است باعث این مشکل تأخیر در یادگیری شده باشند، آگاه گردند.

برای بررسی این مسائل کمیسینی متشکل از: معلّمان، روان‌شناسان، آسیب‌شناسان، پزشکان، و کارکنان مراکز مشاوره آموزشی - روانی ایجاد گردیده است. این کمیسیون در بررسی خود به موقعیت خانوادگی دانش‌آموز، سلامتی کودک، و رشد و تکامل روانی او توجه می‌نماید؛ و در واقع این بررسی همه عواملی را که به طور منفی بر رشد و تکامل جسمی و روانی کودک تأثیر دارند، مورد رسیدگی قرار خواهد داد.

کلاسهای جبرانی تمهید مقدماتی است برای درمان مشکل، و لذا معلّم این کلاسها باید توجه خود را بر نیازهای فردی یک دانش‌آموز متمرکز نماید.

در آغاز معلّم باید نسبت به کودک انعطاف‌پذیر باشد، و پس از مدتی می‌تواند درخواستهای آموزشی - پرورشی خود را ارائه نماید. او این شانس را دارد که فواصل و شکافهایی را که در میان دانش و اطلاعات دانش‌آموز وجود دارد، پُر کند. اگر یک رابطه خوب و صمیمی بین معلّم و شاگرد نباشد، دانش‌آموز تمایل دارد که به عادات قبلی خود بازگشت نماید. انتخاب شیوه‌های کار خیلی مهم است. برنامه کار کلاسها انعطاف‌پذیری بیشتری دارد، و وقت فراغت نیز به طور سازنده‌تری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما معلّم هنوز وظیفه دارد که مطالب درسی عادی را تمام کند.

ارزشیابی و درجه‌بندی کار دانش‌آموزان نقش مهمی در کلاسهای جبرانی ایفاء می‌کنند. در ابتداء توصیه می‌شود که ارزشیابیهای شفاهی به کار رود تا با تأکید بر جنبه‌های مثبت، کودکان را تشویق و دلگرم نمایند. درجه‌بندیهای منفی از کار دانش‌آموز می‌تواند به طور زیان‌آوری به کار او و نگرش وی نسبت به یادگیری آسیب برساند. در پایان سال می‌توان دانش‌آموزان را به طور عینی مورد ارزشیابی قرار داد و آنها را در گروههای طبیعی درجه‌بندی کرد.

وقتی چنین کودکی (اعم از این که پسر باشد یا دختر) به کلاس عادی مراجعت می‌کند، باید هنوز توجه خاصی به او بشود، تا این امر باعث تشویق و دلگرمی او به مشارکت در

فعالتهای کلاس و پیشرفت وی شود. این تنها راه انضمام مجدد کودک به یک کلاس عادی است. نتایجی که تاکنون از این کلاسهای جبرانی به دست آمده است بسیار دلگرم کننده است، و بازگو کننده پیشرفت مناسب افراد می باشد. همان طور که ذکر شد این کلاسها برای چهار سال اول مدارس ابتدایی وجود دارند.

یک راه مبارزه دیگر با مردودی در مدارس آن است که کلوبها و انجمنهای اوقات فراغت که به وسیلهٔ مربیان^۱ در مدرسه تشکیل و اداره می شوند، مورد استفاده قرار گیرند. این کلوبها و انجمنها خیلی مفیداند و مربخش زیرا که وقت آزاد کودکان را به طور مؤثری به کار می گیرند، و فعالتهایی انجام می دهند که با مطالب درسی مدرسه مربوط می باشند. بخشی از فعالتهای این کلوبها آماده کردن کودکان برای کار فردای مدرسه است. این کار به برطرف نمودن تفاوتهایی که در نگرشها و زمینههای خانوادگی افراد وجود دارد، و تفاوتهای اجتماعی که بر اثر شرایط متفاوت زندگی خانوادگی ایجاد می شود، کمک می کند. در این کلوبها، کودکان آگاهند که برای دروس خود آماده می شوند، و همچنین تشخیص می دهند که این کار، مبنای مشارکت آتی آنها در امور اجتماع می باشد. کودکانی که در مدرسه ضعیفترند توجه بیشتری از مربیان دریافت می دارند تا دیگر کودکان؛ و مربی سعی می کند بر روی نقاط ضعفی که در دانش آنها وجود دارد کار بیشتری انجام شود.

آمادگی برای دروس در کلوبهای مدارس به دو طریق انجام می گیرد. یکی به شیوهٔ آمادگی نوشتاری است؛ و دیگری بیشتر آمادگی عملی است، از طریق مشاهدهٔ مطالب نظری در عمل و اجراء، مثلاً از طریق قدم زدن و گردش کردن.

این فعالتهای کودکان از کارهای واقعی اطراف آنان درک و فهم بیشتری می دهد. این شیوه یک روش بسیار کارآمد برای یادگیری است، مخصوصاً اگر که به طریق لذتبخشی ارائه گ

مربیان باید ریز مواد درسی مدرسه، و مخصوصاً کلاسی که دانش آموزان به آن تعلق دارند را بشناسند. آنها باید دانش اصلی دانش آموزان را تقویت نمایند، زیرا که برای پیشرفت بعدی آنان و برای آن که کودکان بتوانند برنامهٔ درسی خود را تمام کنند لازم و ضروری است. یکی از جنبه‌های بسیار مهم یک کلوب مطلوب آن است که همکاری بسیار نزدیکی بین مربیان این کلوبهای مدارس و معلمان کلاسها برقرار باشد. این همکاری معمولاً با مکاتبه و ارتباط نوشتاری دو طرفه تقویت می گردد. در خلال زمانی که در این کلوبها بر روی تکالیف منزل کار می شود، مربی می تواند مخصوصاً به دانش آموزان ضعیفتر کمک کند. مربیان باید کودکان را به طریقی آموزش دهند که آنان بتوانند مسائلی را که برای تکلیف شب تعیین شده، حل کنند. دانش آموزان، در این کلوبها، فرصت آن را دارند که دروس خود را دوره کرده و

یادگیری خود را تقویت نمایند. ما اغلب اوقات در این کلوبها بازیهای آموزشی داریم که از طریق ایفاء نقش آموزگار، دانش‌آموزان قسمت اصلی مواد تدریس شده را تکرار می‌کنند. گذشته از این، در مدارس ابتدایی می‌توان در مورد بعضی از این مشکلات یادگیری از طریق تشکیل «کلاسهای فوق‌العاده» اقدام نمود؛ که این کلاسها پس از کار عادی مدرسه با گروههای کوچکی از دانش‌آموزان تشکیل می‌شود. از جمله کودکانی که در این کلاسهای فوق‌العاده حاضر می‌شوند، کودکانی هستند که به علت بیماری طولانی از کلاسهای عادی غایب بوده‌اند. علاوه بر این کودکان، از این کلاسهای فوق‌العاده برای دانش‌آموزانی که از کار مدرسه خود عقب مانده‌اند؛ آنها که نمره پایینی دارند؛ و افرادی که نیاز به مراقبت فردی دارند تا دانش آنها افزایش یابد، استفاده می‌شود. این کلاسهای فوق‌العاده برای آن تشکیل می‌گردد که توجه خاصی به این دانش‌آموزان بشود تا آنان بتوانند فاصله و شکافی را که بین دانش آنها در موضوعهای درسی خاصی به وجود آمده، پر کنند.

دیگر دانش‌آموزانی که در این کلاسهای خاص حاضر می‌شوند دانش‌آموزانی هستند که از گروههای سنی بالاتر بوده و دارای مشکلات یادگیری می‌باشند. یا شورای آموزشی تصمیم گرفته است که آنها نیاز به مراقبت بیشتری دارند، که معمولاً از این افراد یک نفر یا دو نفر در هر کلاس وجود دارد. این «کلاسهای فوق‌العاده» برای سال پنجم و بالاتر وجود دارد، و مواد درسی اصلی (از قبیل زبان و ریاضیات) را دربر می‌گیرد. والدین دانش‌آموزان از تشکیل این کلاسهای فوق‌العاده مطلع می‌گردند و دانش‌آموزان باید در این کلاسها حاضر گردند. در این مورد مقرر است که دانش‌آموزان حداکثر تا دو ساعت در هفته در این کلاسها شرکت نمایند. اگر دانش‌آموز در حل مسائلی پیشرفت داشته باشد، می‌تواند این کلاسهای فوق‌العاده را در خلال سال تحصیلی ترک گوید؛ این کلاسهای فوق‌العاده برای شش تا ده نفر دانش‌آموز تشکیل می‌شود.

این مقاله که دربارهٔ مسألهٔ افت تحصیلی و پیشرفت نامناسب دانش‌آموزان فراهم آمده نظر گسترده‌تر نظام آموزشی چکسلواکی را در پاسخ به این مسأله ارائه می‌نماید. اما دربارهٔ ورود به مسأله از دیدگاه صرفاً آموزشی - پرورشی، اصولاً حل این مسائل و مشکلات مستلزم و متضمن کار با مواد آموزشی اصلی، و مواد کمک آموزشی و چگونگی برقراری ارتباط بین مواد می‌باشد.

اساسی‌ترین امر در این زمینه تناسب روشها و شکل کارهایی است که معلم در رابطه با سن دانش‌آموز به کار می‌گیرد. که در این زمینه، برحسب موقعیت و به دفعات مناسب، معلم باید به دانش‌آموزان به صورت فردی نزدیک شود، از کار دو نفره یا گروهی، و امکانات آزمایشگاهی استفاده نماید، و روش ارائه مسأله، و راه حل آن^۱ (روش حل مسأله) را به کار بندد. کار موفقیت‌آمیز بستگی به رابطه مثبت و مطمئنی دارد که بین معلم و شاگرد موجود است.

یعنی کارآمدی امر تدریس، به طور مستقیم متناسب است با نگرش دانش آموز نسبت به فراگرد یادگیری. جلب انگیزه‌ها و علائق دانش آموز در انجام فعالیت‌های فردی، امری است بسیار مهم، که به تجربه و توانایی معلم بستگی دارد. مسلماً موفقیت کار معلم همچنین به وجود مواد و تجهیزات آموزشی در مدرسه نیز وابسته است؛ که در این زمینه وزراء آموزش و پرورش چک و اسلواک اطمینان داده‌اند که در رابطه با برنامه اصلاح جدید مدارس، مؤسسات آموزشی را با مواد مورد نیاز موضوعات درسی، روشهای کار، و در شکلهایی که به کار گرفته می‌شوند، مجهز سازند.

در هیچ مورد نباید تعداد دانش آموزانی که در هر مجتمع آموزشی به کار تحصیل اشتغال دارند، کم برآورد شود؛ که البته این تعداد برحسب معیارهای متفاوت از قبیل: کمکی که برای دانش آموزان ضعیف فراهم می‌شود؛ آموزش زبانهای خارجی؛ کار آزمایشگاهی؛ آماده شدن دانش آموزان برای زندگی شغلی؛ تربیت بدنی؛ انتخاب آزاد؛ دروس اجباری؛ دروس اختیاری، و غیره تغییر می‌کند.

درجه بندی دانش آموزان باید با معیارهای دقیق مطابقت داشته باشد و هدف آن کمک به دانش آموز باشد. به هنگامی که کار دانش آموز ارزیابی می‌شود، معلم نمی‌تواند در خواسته‌هایش تخفیف دهد. او باید سطح واقعی دانش دانش آموز را معین کند؛ و سپس برحسب یافته‌هایش معلم روشها و نمونه‌های کار بیشتر با فرد دانش آموز را برای بهتر شدن نتایج کار او انتخاب می‌کند. نتایج حاصل از مراقبت همه جانبه، دراز مدت، و منظمی که برای حل مسأله «مردودی و پیشرفت نامناسب دانش آموزان» به عمل آمده بسیار موفقیت آمیز است؛ و ما می‌توانیم بگوییم که توجه پایداری که به این مسأله شده باعث گردیده تا نرخ پیشرفت تحصیلی، همان طور که در جدول شماره ۱ ارائه شده است، در همان سطح بالا ابقاء گردد.

آمار جدول شماره ۱ نمایشگر نرخ رشد دانش آموزان موفق مدارس ابتدایی در سالهای تحصیلی ۷۹ - ۱۹۷۸ تا ۸۳ - ۱۹۸۲ به صورت درصد کل دانش آموزان مدارس ابتدایی می‌باشد.

جدول شماره ۱ - نرخ پیشرفت تحصیلی در بین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی

(به صورت درصد)

سال تحصیلی	قبول	مردود	طبقه‌بندی نشده
۷۹ - ۱۹۷۸	۹۸/۵	۱/۲	۰/۸
۸۰ - ۱۹۷۹	۹۸/۲	۱/۲	۰/۲
۸۱ - ۱۹۸۰	۹۸/۶	۱/۳	۰/۸
۸۲ - ۱۹۸۱	۹۸/۵	۱/۲	۰/۸
۸۳ - ۱۹۸۲	۹۸/۲	۱/۵	۰/۸

کار معلمی فعالیت‌های زیادی را می‌طلبد و بدین لحاظ کاری است مشکل؛ و اقتدار و توانایی معلم باید به وسیله خانواده‌ها و کل جامعه پشتیبانی گردد. این هدف جامعه ما است. سطح مطالعات دانشگاهی معلمان ما آنان را قادر می‌سازد تا در مدارس ابتدایی به کیفیت آموزشی - پرورشی مناسبی نائل گردند. جامعه ما اهمیت فداکاری معلمان را که برای بهزیستی همه افراد جامعه می‌باشد، شناخته و نسبت به آن حق شناسی می‌کند.





زیرنویسها:

- ۱ - میروسلاو ماخ (Miroslav Mach)، مدیر بخش مدارس ابتدایی و تجهیزات آموزشی در وزارت آموزش و پرورش چکسلواکی می باشد. او قبلاً معلم، مدیر و بازرس مدارس ابتدایی بوده است. او به امر بازسازی محتوا و سازمان کودکانها و آموزش و پرورش ابتدایی اشتغال دارد و در این زمینه مطالب متنوعی منتشر نموده است.
- ۲ - جان آموس کمنیوس (John Amos Comenius) مرئی بزرگ چکسلواکی که بین سالهای ۱۵۹۲ تا ۱۶۷۰ زندگی می کرده است.

۳ - مقصود رساله Informatoria از مجموعه آثار تربیتی تحت عنوان: Didactica Magnia یا هنر بسزرگ آموزگاری است.

4 - Pedagogic - Psychological Centres

5 - Psychomotor

6 - inferiority Complex

7 - Dyslexic

۸ - در اینجا مرئی در برابر کلمه educator قرار گرفته است. این مرئی فردی غیر از معلم کلاس (teacher) است.

9 - Problem - and - Solution Approach

منبع:

Mach, Miroslav, "The Prevention of Failure in elementary schools in Czechoslovakia",
Unesco, J. of Prospects, No. 3, 1984. P.P. 395 - 401.